
چپ لبنان در مواجهه با اسلام‌گرایان

فاطمه مسجدی و بابک مینا در گفتگو با ژیلبر اشقر



گروه‌های چپ‌گرای لبنانی چه نگرشی نسبت به بحران‌های بزرگ کشور و اسلام‌گرایان دارند؟ درباره‌ی استاد روابط بین‌الملل در دانشکده‌ی (Gilbert Achcar) تجربیات چپ‌های لبنان با ژیلبر اشقر گفتگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید، (SOAS) مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن

به عنوان نخستین پرسش ممکن است کمی درباره‌ی تاریخ چپ در لبنان توضیح دهید؟ چه جریان‌ها و گرایش‌هایی در چپ لبنانی وجود دارد؟

گروه‌های چپ در لبنان، تاریخی بسیار طولانی دارند که به حدود یک قرن پیش بازمی‌گردد، دوره‌ای که حزب کمونیست شروع به فعالیت کرد. در آن دوره، یعنی در دهه‌ی ۱۹۲۰، بعد از انقلاب روسیه، افکار و تحولات انقلابی در روسیه جذابیت زیادی برای سیاستمداران و روشنفکران جهان عرب داشت، و این امر به شکل‌گیری جنبش‌های کمونیستی در بخش‌های مهمی از خاورمیانه، از جمله لبنان، سوریه، مصر، و فلسطین انجامید. همچون اکثر کمونیست‌های آن دوره، گروه‌های کمونیستی جهان عرب رابطه‌ی بسیار نزدیکی با مسکو داشتند، و آنچه در شوروی می‌گذشت تأثیر زیادی روی این احزاب می‌گذاشت.

بعدها گروه‌های چپ‌گرای دیگری هم در جهان عرب شکل گرفتند، که برخی چپ‌تر از احزاب کمونیست بودند. به‌ویژه بعد از شکست اعراب در جنگ سال ۱۹۶۷ با اسرائیل، گروه‌های متعددی در طیف چپ به وجود آمدند که گرایش‌های ناسیونالیستی هم داشتند و رادیکال‌تر از احزاب کمونیست بودند.

حزب کمونیست لبنان در دهه‌ی ۱۹۷۰ بسیار رشد کرد، و زمانی حدود ۱۵ هزار عضو داشت، که در کشوری مثل لبنان که در آن زمان فقط ۳ میلیون جمعیت داشت، چشمگیر بود. در جنگ‌های داخلی لبنان هم که در سال ۱۹۷۵ شروع شد، گروه‌های چپ بسیار فعال بودند و حضور پررنگی داشتند.

در دهه‌ی ۱۹۹۰، با فروپاشی شوروی و بلوک شرق، احزاب چپ سنتی در جهان عرب هم مثل احزاب چپ در دیگر نقاط دنیا، دچار بحران شدند، و نفوذشان را از دست دادند.

اما گروه‌های چپ‌گرای دیگری با جهان‌بینی متفاوتی شکل گرفتند. در یکی دو سال اخیر، به‌ویژه پس از جنبش‌های مردمی اخیر، گروه‌های چپ‌گرا دوباره به میدان آمده‌اند، و در اعتراض‌های مردمی فعال‌اند. پدیده‌ی جدیدی، که به‌ویژه در لبنان بسیار به چشم می‌خورد، شبکه‌هایی متشکل از جوانان چپ‌گرای نسبتاً رادیکالی است که خود را مارکسیست یا پیرو ایدئولوژی خاصی نمی‌دانند اما عمل‌گرا هستند و برای عدالت اجتماعی و سیاسی فعالیت می‌کنند. مشهورترین‌شان، گروهی به نام «لِحَقَى» (من حق دارم) است که در اعتراض‌های مردمی اخیر در لبنان نقش بسیار مؤثری داشته است.

یکی از مسائل مهم چپ در خاورمیانه شیوه‌ی مواجهه با اسلام‌گرایان است. در ایران، همان‌طور که می‌دانید، اکثر سازمان‌های مارکسیستی ایرانی در انقلاب ۵۷ با اسلام‌گرایان همراهی کردند، اما بعد بسیاری از آنها مغضوب و قربانی حکومت اسلامی شدند. این رابطه در لبنان چگونه بوده است؟

در لبنان، دو سه سال بعد از انقلاب ایران، یعنی در واقع پس از حمله‌ی نظامی اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، بخشی از اعضای «جنبش امل» که سازمان اصلی شیعیان لبنان بود، از این سازمان جدا شدند، و «امل اسلامی» را تأسیس کردند، که در سال‌های بعد همراه با دیگر گروه‌های مخالف با اسرائیل، حزب‌الله را ایجاد کردند. البته این تغییر و تحول به شدت متأثر از نفوذ جمهوری اسلامی بود.

در سال ۱۹۸۲ وقتی ارتش اسرائیل وارد بیروت شد، کمونیست‌ها پیش از دیگر گروه‌ها، تحت عنوان «جبهه‌ی مقاومت ملی»، شروع به مقابله کردند. حزب‌الله پس از کمونیست‌ها، تحت عنوان «مقاومت اسلامی»، به این رویارویی پیوست. این دو، نه به صورت دو متحد، بلکه در رقابت با هم، در مقابل اسرائیل ایستاده بودند. کمونیست‌ها و حزب‌الله بر سر تسلط سیاسی بر شیعیان لبنان نیز با هم رقابت می‌کردند. شیعیان لبنان از فرودستان و طبقه‌ی فقیر جامعه‌اند و کمونیست‌ها به طور سنتی پایگاه محکمی در بین آنان دارند.

در دهه‌ی ۱۹۷۰ گروه امل برای نفوذ در میان شیعیان با کمونیست‌ها رقابت داشت، اما یک دهه‌ی بعد، به جای امل، حزب‌الله به رقیب اصلی کمونیست‌ها تبدیل شد. بسیاری از روشنفکران مهم شیعه در زمره‌ی رهبران حزب کمونیست بودند، که عده‌ای از آنها در دوران جنگ‌های داخلی لبنان به دست اسلام‌گرایان نویسنده و اندیشمند، (Husayn Muruwwa) افراطی کشته شدند. برای مثال، می‌توان به حسین مُرُوّه سرشناس لبنانی اشاره کرد که در حوزه‌ی نجف درس خوانده بود اما بعدها به حزب کمونیست پیوست و نوشته‌های او از بهترین متون مارکسیستی در فرهنگ عربی به شمار می‌رود. یا حسن حبران، معروف به نظریه‌پرداز برجسته‌ی مارکسیست که کتاب‌های متعددی نوشته است، و او، (Mahdi 'Amel) مهدی عامل را گرامشی عرب لقب داده‌اند. حسین مُرُوّه و مهدی عامل هر دو در سال ۱۹۸۷ به قتل رسیدند.

حزب کمونیست لبنان در دهه‌ی ۱۹۷۰ بسیار رشد کرد، و زمانی حدود ۱۵ هزار عضو داشت، که در کشوری مثل لبنان که در آن زمان فقط ۳ میلیون جمعیت داشت، چشمگیر بود.

بعد از این وقایع، کمونیست‌ها تصمیم گرفتند با حزب‌الله سازش کنند. در واقع، به یک معنی، در مقابل اسلام‌گرایان افراطی تسلیم شدند. و البته این استراتژی در نهایت به ضرر آنها تمام شد. حزب کمونیست بسیاری از طرفداران و اعضایش، از جمله اعضای شیعه‌ی خود را از دست داد و بعضی از آنها به حزب‌الله پیوستند. پس از آن حزب کمونیست قدرت و نفوذش را از دست داد، و در پی فروپاشی شوروی بیش از پیش کوچک و ضعیف شد. در پایان قرن بیستم، حزب کمونیست دیگر نیروی مهمی در لبنان محسوب نمی‌شد.

جمهوری اسلامی ایران از طریق حزب‌الله در لبنان نفوذ دارد. موضع چپ‌های لبنانی در قبال این نفوذ چیست؟ آیا بخش‌هایی از آنها با اسرائیل‌ستیزی جمهوری اسلامی و حزب‌الله احساس نزدیکی می‌کنند یا اینکه مخالف مداخله‌ی جمهوری اسلامی هستند؟

برخی گروه‌های چپ‌گرا که گرایش‌های ملی دارند، موضع ضد اسرائیلی حزب‌الله را می‌پسندند، و از آن حمایت می‌کنند. این‌ها بیشتر گروه‌های کوچک‌اند و سازمان و حزب به شمار نمی‌روند. اما حزب کمونیست رویکردی دو پهلو دارد. از یک طرف، حزب‌الله را مخالف و رقیب سیاسی می‌بیند، و از طرف دیگر، به نام اتحاد ملی علیه صهیونیسم، با حزب‌الله مخالفت نمی‌کند. اما چپ جدیدی که در سال‌های اخیر، به‌ویژه در جنبش‌های مردمی اخیر پیدا شده به شدت مخالف حزب‌الله است، تا حدودی به این دلیل که حزب‌الله با این جنبش مقابله می‌کند، و اکنون بخشی از دستگاه قدرت و حکومت در لبنان محسوب می‌شود. حزب کمونیست حامی اعتراضات اخیر است اما، شاید از بیم سرکوب توسط حزب‌الله، از مخالفت صریح با آن می‌پرهیزد.

در دهه‌های اخیر مسئله‌ی حقوق زنان و همجنس‌گرایان در بین گروه‌های چپ‌گرا در بسیاری از کشورهای جهان مطرح بوده است. نسل جدید روشنفکران و فعالان سیاسی چپ‌گرا در لبنان چه رویکردی نسبت به این مسئله دارند؟

چپ‌های نو که جوانان رادیکالی هستند، موضعی مترقی دارند و از حقوق زنان و همجنس‌گرایان حمایت می‌کنند. فمینیست‌ها و کنشگران حقوق جنسیتی در بین این چپ‌های جوان زیادند. اما چپ‌های سنتی، از جمله حزب کمونیست، به این مسائل حساس نیستند، و اصولاً جرئت نمی‌کنند که به طور علنی از حقوق این گروه‌ها حمایت کنند. در مورد حقوق زنان تا اندازه‌ای فعال‌اند اما در مورد حقوق جنسیتی حرفی نمی‌زنند. استدلالشان این است که مسائل اصلی لبنان این‌ها نیست و پرداختن به این نوع مسائل به انحراف افکار عمومی از مسائل بزرگ‌تر می‌انجامد.

مگر اقلیت‌های جنسیتی در لبنان به طور علنی حضور ندارند؟

بله، حضور دارند. در واقع، شاید لبنان تنها کشور این منطقه است که اقلیت‌های جنسیتی می‌توانند در آن حضور علنی داشته باشند، و کموبیش از تحقیر و خشونت در امان بمانند. فرهنگ جامعه‌ی لبنان بیش از دیگر کشورهای منطقه به فرهنگ غربی نزدیک است و در مورد مسائل اجتماعی بیشتر از دیگر نقاط جهان عرب رواداری و انعطاف دارد. البته نه در مناطقی که تحت سلطه‌ی حزب‌الله است. در این مناطق، اقلیت‌های جنسیتی نمی‌توانند به طور علنی و آشکار بگویند که مثلاً همجنس‌گرا هستند.

گروه‌های چپ‌گرا در خاورمیانه تا کنون نتوانسته‌اند با یکدیگر ارتباط و همبستگی سازمانی و فرامرزی برقرار کنند. آیا تصور می‌کنید که روزی بتوانند به نوعی اتحاد و همکاری منطقه‌ای در خاورمیانه دست

یابند؟ مسائل بسیاری هست که چپ را مثلاً در ایران یا ترکیه یا مصر و دیگر کشورهای خاورمیانه پیوند می‌دهد. آیا این دغدغه در چپ‌گرایان امروز لبنان وجود دارد؟

گمان می‌کنم که ایجاد همبستگی بین کشورهای عربی محتمل‌تر است، آن هم به این دلیل ساده که فرهنگشان به هم نزدیک‌تر و زبانشان مشترک است؛ مثل حرکت‌های مشابهی که در «بهار عربی» در کشورهای عرب‌زبان دیدیم. در مورد ایران هم، مردم لبنان نوعی احساس همدلی دارند، چون حرکت‌های مردمی در ایران را شبیه به جنبش‌های لبنان می‌دانند. در مورد حرکت‌های مردمی در عراق نیز همین‌طور. اما بین این حرکت‌ها، تا جایی که من اطلاع دارم، ارتباط و همکاری سازمانی وجود ندارد، چون این جنبش‌ها تا حد زیادی خودجوش است، و سازمانی آنها را نمایندگی نمی‌کند که بتواند با سازمان‌های مشابه در دیگر کشورها ارتباط و اتحاد برقرار کند.

یکی از دغدغه‌های همیشگی گروه‌های چپ‌گرا عدالت اجتماعی بوده است. اکنون طبقات اجتماعی در لبنان به چه صورت نظام یافته‌اند؟ چه بخش‌هایی از جامعه بالقوه یا بالفعل به آرمان‌های چپ‌گرایش دارند؟ آیا احزاب و گروه‌های چپ‌گرا در لبنان توانسته‌اند با کارگران و مزدبگیران به طور فعال ارتباط داشته باشند؟ کمونیست‌های سنتی به طور تاریخی خود را نماینده‌ی طبقه‌ی فقیر و کارگران می‌دانند، و در اتحادیه‌های کارگری فعال‌اند و برای حقوق آنها مبارزه می‌کنند. اما پایه‌ی اقتصاد لبنان صنعتی نیست، و کارخانه و کارگران صنعتی زیادی ندارد. کارگران بیش از بخش صنعتی، در رستوران‌ها، هتل‌ها و حمل‌ونقل و بخش خدمات کار می‌کنند.

چپ‌های نو و جوان در لبنان، در میان کارگران و اتحادیه‌ها چندان نفوذی ندارند، و فاقد سازمان و امکانات برای بسیج و حمایت کارگران‌اند. چپ‌های نو بیشتر در بین روشنفکران و گروه‌های دانشجویی و طبقه‌ی متوسط جامعه ریشه دارند و فعالیت می‌کنند. اما باید دید که آیا در آینده این چپ‌های نو می‌توانند خود را به شکل نیرویی منسجم برای حمایت از کارگران سازمان‌دهی کنند یا به همین صورت خودجوش و شبکه‌ای به فعالیت خود ادامه خواهند داد.

گروه‌های چپ‌گرا چه نگرشی نسبت به تکثر مذهبی و قومی در لبنان دارند؟

لبنان تنوع قومی ندارد، و پناهندگان فلسطینی و سوری پرشماری هم که در لبنان زندگی می‌کنند اقلیت قومی به شمار نمی‌روند، چون از همان تیره و تبار مردم لبنان‌اند و زبان مادری آنها نیز عربی است. تنها تفاوت آنان با دیگران این است که از کشور دیگری آمده‌اند. به هر حال، حکومت و جامعه‌ی لبنان هنوز آنها را شهروند و برابر با لبنانی‌ها نمی‌داند. از زمانی که به لبنان آمده‌اند، همواره پناهنده محسوب شده‌اند، عمدتاً در

اردوگاه‌ها و محله‌های خاص خود زندگی می‌کنند، حق و حقوق زیادی ندارند و رفتار دولت با آنها پر از تبعیض است.

اما برخورد و رفتار گروه‌های چپ‌گرا با پناهجویان، بسیار انسانی و مترقی است، حامی پناهجویان و مدافع حقوق آنها هستند و با رفتارهای ضدسوری و ضدفلسطینی مقابله می‌کنند.

پناهندگان سوری، که پرشمارند، در چند سال اخیر به لبنان آمده‌اند، و تصور عمومی این است که حضور آنها موقتی است و به زودی به کشور خود بازخواهند گشت. اما فلسطینی‌ها از مدت‌ها قبل در لبنان بوده‌اند، و حتی دو سه نسل از آنها در لبنان متولد شده و پرورش یافته‌اند. با این حال، هنوز خارجی محسوب می‌شوند، خارجی‌هایی که روزی باید به کشور خود بازگردند. فلسطینی‌ها بعد از این همه سال، هنوز از حق دریافت تابعیت لبنانی محروم‌اند، و در این مورد حتی چپ‌ها و سازمان‌های فلسطینی هم به شدت کوتاهی می‌کنند، چون استدلالشان این است که اگر فلسطینی‌ها تابعیت لبنانی بگیرند، به این معنا خواهد بود که اشغال سرزمینشان به دست اسرائیل را پذیرفته‌اند و قرار نیست که به فلسطین برگردند. اما این رویکرد چپ‌ها و دیگر نیروهای سیاسی لبنان در واقع به معنای پذیرش تبعیض علیه سه نسل پناهنده‌ی فلسطینی در لبنان است.

سایت آسو